موضوع: بررسی مبانی معرفت شناسی در اجتهاد علم کلام

دانش های مرتبط با معرفت‌شناسی

معرفت شناسی، از این جهت که در باره احکام و مسائل کلی و کلان معرفت بحث می‌کند؛ مسائلی چون امکان شناخت، ارزش شناخت، ابزارها و راه‌های شناخت و قلمرو شناخت، پیش نیاز همه معرفتها و دانش‌های بشری - اعم از عقلی، نقلی و تجربی، طبیعی و ماوراء طبیعی و ... - به شمار می‌رود و از این منظر با همه علوم بشری مرتبط است. ولی مقصود از این بحث، ارتباط مزبور که از مقوله ارتباط خادم و مخدوم است و جنبه مقدمه‌ای و ابزاری دارد، نیست، بلکه مقصود ارتباط از حيث موضوع، یا غایت و مسائل است، یعنی معرفت‌شناسی با چه علومی ارتباط موضوعی یا غایی یا مساله‌ای دارد؛ از این جهت می‌توان آن را با علوم زیر مقایسه کرد:

1. علم منطق

موضوع علم منطق، معرف و حجت است. معرف عبارت است از معلومات تصوری که به کمک آنها می‌توان مجهولات تصوری را حل کرد و حجت عبارت است از معلومات تصدیقی که از طریق آنها می‌توان معلومات تصدیقی دیگری را به دست آورد. بنابراین معرف و حجت از مقوله علم‌‌اند (علم تصوری و علم تصدیقی). علاوه بر این، برخی از مسئل در هر دو علم مطرح می‌شود، مانند بحث درباره استقرا و این که مفيد ظن است یا یقین، و بحث درباره تصورت و تصدیقات بدیهی و نظری، و اسباب خطا در معرفت و مکان رهایی از خطا.

با این حال، در هر یک از منطق و معرفت شناسی، مسائل و مباحث ویژه‌ای نیز وجود دارد که مانع از وحدت و یگانگی آن دو می‌باشد. از باب مثال، این که معرف، حد است یا رسم، و هر یک اف و قیاسز آن دو تام است یا ناقص، و تعریف یا لفظی است یا شرح الاسم یا حقیقی و حقیقت تصدیق، حکم است یا تصور مستلزم یا مستتبع حکم، و قیاس اقترانی است یا استثنایی، و هر یک از آن دو صورتهای مختلفی دارد، و استدلال یا مباشر است یا غير مباشر، و نظایر آنها، مسائلی است که در علم منطق بررسی می‌شود، و معرفت‌شناسی به این گونه مسائل نمی پردازد.

از سوی دیگر، برخی از مسائل در معرفت‌شناسی مطرح می‌شود که از مسائل منطق به شمار نمی رود، مانند این که آیا شناخت عالم خارج برای انسان ممکن است یا نه، و آیا انسان می‌تواند به معرفت یقینی دست یازد یا نه؟. امکان شناخت عالم خارج و دست یابی به یقین به صورت في الجمله، در علم منطق، اصل موضوع است و درباره آن بحث نمی شود، بلکه درباره قواعد صحیح تفکر برای شناخت عالم بحث میشود.

بنابراین، نسبت میان معرفت‌شناسی و منطق از نظر مسائل، عموم و خصوص من وجه است. این مطلب بیانگر آن است که هر یک از این دو علم، از منظر ویژه‌ای به علم و معرفت می‌نگرد و رسالت ویژه‌ای دارد، هر چند در نهایت، هدف و غایت واحدی را تعقیب می‌کنند که عبارت است از هدایت تفکر و اندیشه ورزی انسان در مسیر درست

۲. فلسفه اولی

فلسفه اولی از نظر موضوع و هدف با معرفت‌شناسی تفاوت دارد، زیرا موضوع فلسفه اولی، هستی به صورت مطلق است (اعم از ذهنی و خارجی، مجرد و مادی و ...) در حالی که موضوع معرفت شناسی، علم (وجود ذهنی) است. هدف فلسفه اولی، بازشناسی امور واقعی و حقیقی از امور پنداری و شناخت تقسیمات اولیه، احکام کلی و علل عالیه هستی است، ولی هدف معرفت شناسی، شناخت احکام و قوانین مربوط به وجود ذهنی است.

با این حال، در فلسفه، به منسبت‌های مختلف درباره علم و معرفت بحثهایی مطرح شده است که بسیاری از آنها صبغه یا کار کرد معرفت شناختی دارد که بحث درباره وجود ذهنی و معقولات اولیه و ثانویه از مهم ترین آنهاست. در بحث‌های قبل (معرفت شناسی در فلسفه اسلامی) توضیحات کافی در این باره بیان گردید.

٣. فلسفه علم

فلسفه علمی پژوهش فلسفی درباره چیستی، مبانی، و راه و روش هریک از علوم بشری است. بحث درباره موضوع، غایت و روش یک علم، مبانی، مسائل و تحولات تاریخی، ترابط آن با علوم دیگر و عوامل اجتماعی مؤثر در آن علم، مسائل و مباحث فلسفه علم را تشکیل می‌دهد. برخی از این مسائل، با مسائل معرفت شناسی، مرتبط یا مشترک است، ولی تفاوت این دو علم، اولا: در موضوع آن دو است، زیرا موضوع معرفت شناسی، علم به معنای صفت نفس انسان و پدیده‌ای ذهنی است، در حالی که موضوع علم فلسفه علم، علم به معنای رشته -‌ای علمی است که عبارت است از مجموعه‌ای از مسائل دارای محور و جهت واحد (موضوع یا غایت). ثانيا: برخی از مسائل فلسفه علم مانند مبانی و عوامل اجتماعی مؤثر در یک رشته علمی و تحولات تاریخی و ترابط آن با علوم دیگر، از مسائل و مباحث معرفت‌شناسی به شمار نمی رود.

4. روش شناسی

در روش شناسی، با توجه به موضوع و هدف علمی خاص، روش درست پژوهش درباره مسائل آن علم تبیین میشود. ابزارهای شناخت و قواعد تحقیق، مؤلفه‌های روش علم را تشکیل میدهند. این مسائل، مسائل معرفت‌شناسی نیز می‌باشند، با این تفاوت که در معرفت‌شناسی این مسائل به علمی خاص اختصاص ندارد، بلکه مطلق و عام است. بنابراین، معرفت‌شناسی با روش شناسی علوم، نزدیک ترین ارتباط را دارد.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد